

فنون روایت انسانی است که به تنهایی برای سروسامان دادن به وضعیت مدرسه‌ای که کلاس‌هایش شباهتی به کلاس‌های استاندارد مدارس ندارد دست به کار شد اما در ادامه راه انسان‌های مهربان و گروهی از پزشکان وارد عمل شدند. ۲۸ دی ماه اجرای معلمی که دانش آموز معلولش را هر روز در آغوش گرفته و به مدرسه می‌برد در صفحه زندگی روزنامه ایران به چاپ رسید. یوسف یوسفیان معلم مدرسه مولوی در منطقه محروم فنون وقتی متوجه شد علی اصغر دانش آموز کلاسش به خاطر معلولیت مادرزادی نمی‌تواند به مدرسه بیاید تصمیم گرفت او را همراه خودش به مدرسه بیاورد. تصویر زیبای این معلم در حالی که دانش آموز معلول در



دانش آموزانی که داشتن یک جفت کفش حسرت زندگی‌شان بود

دست‌های مهربان به یاری دانش آموزان محروم روستاهای محروم سیستان و بلوچستان آمدند تا در سال جدید دل‌هایشان مملو از شادی شود. سالی که روزهای آخر آن در حال سپری است برای دانش آموزان محروم دبستان شهید شهرکی شهرستان زهک و مدرسه مولوی روستای «مغانشاپو» در شهرستان فنوج با برآورده شدن آرزوهای کوچکشان سپری شد. همچنین با تأمین پوشاک

و کفش و مواد غذایی برای ۶۶ دانش آموز این مدرسه نور امید در دل آنها تابیده شد. همچنین چند نفر از پزشکان برای درمان رایگان دانش آموزان اعلام آمادگی کردند. یوسفیان معلم مدرسه مولوی با بیان اینکه عید سال ۹۶ برای دانش آموزان این مدرسه بسیار متفاوت‌تر از سال‌های قبیل خواهد بود، گفت: وقتی درس مهربانی کردن را به دانش آموزان می‌آموزم آنها در حالی که لباس‌های نو پوشیده بودند و لوازم التحریر جدیدی را که خیرین برای آنها ارسال کرده بودند در دست داشتند به هم لبخند زدند و قول دادند تا ادامه تحصیل و کسب موفقیت‌های علمی محبت کسانی که آنها را فراموش نکرده‌اند جبران کنند.



دانش آموزان محروم با دیدن هدایا در پوست خود نمی‌گنجند

درس عشق معلمان عاشق

قصه دو معلم در دو نقطه محروم استان سیستان و بلوچستان نگاه‌ها را به کودکان فراموش شده آن دیار دوخت



کردند. سیل کمک‌ها به سوی این مدرسه سرازیر شد و با واریز بیش از ۲۰ میلیون تومان برای کمک به این دانش آموزان کیف، کفش و لوازم التحریر و پوشاک برای آنها تهیه شد تا سال تحصیلی ۹۵ برای آنها پراز خاطرات به یادماندنی باشد. رامین ریگی با بیان اینکه با کمک‌هایی که خیرین انجام دادند علاوه بر رفع مشکلات تغذیه‌ای دانش آموزان و تهیه پوشاک نو و لوازم التحریر برای آنها یک سالن چند منظوره نیز با هزینه ۳۰ میلیون تومانی که توسط یک خیرپر داخت شده بود در کنار مدرسه ساخته شد تا دانش آموزان محروم این منطقه صاحب کتابخانه، آزمایشگاه و سالن ورزشی شوند. معلم مهربان کویر این روزها در تلاش است تا با کمک گرفتن از خیران و گروهی از پزشکان، غبار محرومیت را که بر چهره مردم منطقه زک نشسته است پاک کند.

آغوش گرم معلم

صدها کیلومتر دورتر از منطقه زهک این بار معلم عاشق دیگری بود که نمی‌توانست شاهد در درونج دانش آموز معلولش باشد. از این رو بود که آستین همت بالا زده و هر روز او را در آغوش می‌گرفت و به مدرسه می‌برد. ماجرای معلم مدرسه مولوی روستای مغانشاپو در شهرستان

سحراسدی/ این روزها مردم کلانشهرها خود را برای سال جدید آماده می‌کنند. می‌بینی که در تکاپو هستند و هر کس به اندازه جیب و وسع خود، می‌خرد و نونواری می‌کند و بر نامه می‌ریزد تا تعطیلات نوروز برای خود و خانواده اش، به خوشی سپری شود. دست کم بسیاری شان مثل برخی هموطنان مان در کنج این مملکت دغدغه‌تکه نانی را ندارند تا دست کم گرسنه نمانند؛ نانی که به سختی و با هزار مکافات به دست می‌آورند تا آن را توی سفره‌های خالی شان بگذارند. جای شکرش باقیست که در این میان انسان‌های فداکاری هستند که سفره مهربانی شان همیشه باز است و به مایه‌آوری می‌کنند که ریشه خوبی‌ها همچنان در این کشور زنده است و نخشکیده. روایت معلمان عاشقی که با ایثار و فداکاری درس زندگی را به دانش آموزان آموختند و نشان دادند که انسان دوستی مقدم بر تعلیم و تربیت است. داستان دو معلم منطقه سیستان و بلوچستان که زندگی شان را وقف دانش آموزان محروم این منطقه کرده‌اند در سال ۹۵ در روزنامه ایران چاپ شد و سپس از چاپ این گزارش‌ها با سیل مهربانی و حس مسئولیت مردمی مواجه شدیم که می‌خواستند در این کار بزرگ همراه این معلم‌ها باشند. دست‌های مهربان به یاری دانش آموزان محروم روستاهای محروم سیستان و بلوچستان آمدند تا در سال جدید دل‌هایشان مملو از شادی شود. سالی که روزهای آخر آن در حال سپری شدن است برای دانش آموزان محروم دبستان شهید شهرکی شهرستان زهک و مدرسه مولوی روستای «مغانشاپو» در شهرستان فنوج با برآورده شدن آرزوهای کوچکشان سپری شد و حمایت مردم در این میان نشان داد که هنوز حس انسان دوستی در میان مردم ایران زنده است و هر کس به توان خویش برای نشان دادن لبخند بر چهره این کودکان آستین همت را بالا زد.

سفره مهربانی

مرداد ماه سال جاری تصویری از یک معلم فداکار در فضای مجازی منتشر شد که هر روز با تهیه نان و پنیر برای دانش آموزان مدرسه شهید شهرکی شهرستان زهک صبحانه تهیه می‌کند تا شاید بخشی از سوءتغذیه این دانش آموزان جبران شود. رامین ریگی معلم فداکار این مدرسه که این روزها مدیریت مدرسه را نیز بر عهده دارد در نقطه صفر مرزی علاوه بر معلمی برای دانش آموزان پدري هم می‌کرد. ۱۶ مرداد ماه سرگذشت این معلم و ماجرای دانش آموزان این مدرسه که تعدادی از آنها به خاطر سوءتغذیه در کلاس درس بی‌حال می‌شدند در روزنامه ایران به چاپ رسید. این معلم ۴۱ ساله بعد از ۱۲ سال تدریس با انشای یکی از دانش آموزان متوجه شد دانش آموزانی که با چهره‌های رنگ پریده در کلاس درس حاضر می‌شوند گرسنه هستند و خانواده آنها توان مالی تهیه یک صبحانه ساده را نیز ندارد. رامین ریگی آستین همت را بالا زد و بخشی از درآمد ناچیز خود را به تهیه صبحانه برای دانش آموزان اختصاص داد و هر روز با خرید نان و پنیر لبخند را به صورت دانش آموزان مدرسه نشان داد. با چاپ گزارش حرکت زیبای این معلم فداکار مردم مهربان دست به کار شدند و در تماس با روزنامه ایران برای کمک به این معلم و دانش آموزان این مدرسه اعلام آمادگی

از تکرار تلخی‌هایم تریسیم

یکم- جامعه ایران - گذشته از برخی تجربه‌ها و برش‌های تاریخی - در کل یک جامعه جمع‌گرا به حساب می‌آید. جوامع جمع‌گرا محاسن و معایبی دارند. از جمله محاسن جوامع جمع‌گرا این است که مواردی چون خودمحوری، تک بعدی بودن و سنگدلی از جمله اصول فرهنگی مردمان آنها نیست. روان‌شناسی اجتماعی ایرانی‌ها هر چند اینجا و آنجا که‌های فردگرایانه‌ای را هم به نمایش می‌گذارد (که البته در جایگاه خودش بد نیست) اما باید بپذیریم که شالوده‌های اصلی فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های جمعی ما همه نشان جمع‌گرا بودن آن است.

دوم- عموماً افراد بواسطه قاعده روانشناختی و جامعه شناختی آشنا زدگی مسائلی چون فقر، معلولیت و مشکلات اجتماعی را بخشی از جامعه قلمداد می‌کنند و بر همین اساس در شرایط عادی حساسیت چندانی به آنها نشان نمی‌دهند، اما زمانی که عنصری چون روزنامه، یا تلویزیون یا شبکه‌های اجتماعی این موضوعات را به صورت عریان بگیرند و در قالب یک گزارش نشان دهند، این موضوع برای افراد جامعه به عنوان یک «درد» مطرح می‌شود و بسیاری به آن واکنش نشان می‌دهند؛ ضمن اینکه افراد جامعه به دلیل وحشت و هراسی که از تکرار این مسائل برای خودشان دارند، سعی می‌کنند به ترمیم قسمت‌های درد آور و زجر آلود موضوع بپردازند تا از لحاظ روانی در زندگی خود به آرامش برسند. بر اساس این دو نکته می‌توان نتیجه گرفت، پس از درج واقعیت‌هایی تلخ از گوشه و کنار این کشور در صفحه «زندگی» روزنامه ایران در سال ۹۵، افرادی که تا مدت‌تی قبل در کوچه و خیابان محل زندگی خود به عناوین مختلف شاهد درد و ناراحتی دیگری بودند و بواسطه پدیده آشنائزدگی توجه چندانی به او نداشتند، به یکباره با عریان شدن یک موضوع و یک درد اجتماعی در یک روزنامه سراسری، همگی دست به کار شدند تا به ترمیم و تخفیف این درد بپردازند. حقیقت جامعه ما این است که مردم ما از تکرار واقعیت‌های تلخ بی‌رامون خود، به فکر ترمیم و آسیب و تأمین آرامش روانی خودشان هستند. طبعاً نمی‌توان به چنین حساسیت‌ها و پیگیری‌هایی دل خوش کرد و آنها را روندی مستمر و همیشگی پنداشت. بی‌گمان سیاستگذاران عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باید به فکر چاره‌اندیشی در این زمینه، که چنانچه نباشند، این سرمایه‌های اجتماعی، طی یک یا دو نسل آینده از دست خواهد رفت و این چیزی نیست که بخواهیم.



دانش آموزان نونوار شده‌های سفره‌ای هستند که با هم‌دلی خیرین پهن شده است



رامین ریگی و نانی که برای شاگردان گرسنه اش قسمت می‌کند

زندگی

www.iran-newspaper.com